نقش نظام شاهیان و عادل شاهیان
در خلق آثار تعلیمی ظهوری ترشیزی

سیده پریناز دریاباری
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی
ویک و تحقیقات
جلیل تحلیل
استاد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی
ویک و تحقیقات

چکیده:
نورالدین محمد ظهوری ترشیزی در قریب چند ترشیز از توابع خراسان در حفظ سال ۹۲۴ ق دیده به چهار گشود و پس از رشد و نوپا و کسب فضائل و آموختن هنر شاعری در ایام جوانی به دارالیامین، یزد رفت و آنجا ندیم و همین‌طور و حساب باقی‌گرفت.بعد از مدتی راه شیراز را در پیش گرفت و در آن شهر نزد درویش حسین به کتاب مشغول گشت و در سال ۹۲۷ ق به هند رحل تعیین شدند.
این‌ها در احمدنگر به مولاتا ملک قیم آنها شد. در این شهر نظام شاهیان از چهل مرتبه نظام شاه و نزدیک نظام‌های یثربی و حامیه از ورودن را در طبع آزمایی و خلق آثار هنری و تعلیم پاری نمودند. پس از پانزده سال سکونت در احمدنگر، ظهوری ترشیزی در پی ملک قیم رهبری بیانور گشت و در کنف حمایت ابراهیم عادل‌نیا قیم را هدایت داشت. یک نزدیک و همین‌طور با مراعایت و در حمایت ابراهیم عادل‌نیا بر خودداری گرفت و قسمت عمده‌ای از کلیات آثار ادبی و تعلیمی خود را در بیانور فراهم کرد.

واژه‌های کلیدی: ظهوری ترشیزی، احمدنگر، بیانور، عادل‌نیا قیم.

1. تاریخ پذیرش: ۱۳۹۰/۱۰/۲۲
2. تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۱۰/۲۲
3. پ.د.اربیکی نویسنده، تهیه: P.daryabari@gmail.com
مقدمه:
مولانا نورالدین محمد ظهوری ترنشیزی از شاعران مشهور نیمه دور قرن دهم تا بر اول قرن یازدهم هجری در سال 988 هجری ایران را به قصد هند ترک و در دوره پادشاهی مرتضی نظامشاه وارد احمدنگر شد و با ملت قمی که در کنف حمایت نظامشاهان به شاعری پرداخته و روزگار می‌گذراند آشنا گردد. پس از وفات مرتضی نظامشاه، به رهبان نظامشاه ثانی به حکومت رسید و نیز این دو شاعر خلاکی نهاد و صادق مشرب را که به شعر زبانی علی داشتند (کشو سکونتی، محمد قدرت الله) 1336 ش، مورد حمایت قرار داد. هنگامی که رهبان نظامشاه ثانی دیده از جوان فرو بست، ملک قمی و به دنبال وی ظهوری ترنشیزی از احمدنگر رهبار بیجاپور شده و مورد توجه عادل شاهان قرار گرفتند. در دربار ابراهیم عادل شاه ثانی ظهوری ترنشیزی بیش از دیگران مقبول افتاد و به مقام ملک الشعراً رسید و در شعر و شاعری گوی سبقت را از دیگران به خصوص ملک فرموده به قلمه‌ای که عیون‌النامه‌نواز دربار او صنف می‌نویسد: «رسوم شعر و شاعری را در نظر مردم معتبر گرداند - و بی غایب تکلّف و شانه تصفیف از استادان عدیم‌الملک این فن است - و اکثر اهل عالم به اشاعت و استادی وی قائلاند» (نهان، عیون‌النامه 941 ح: ج3، و عیون‌النامه به درباره وی اعتقاد دارد نهایتاً مثل او ندیده، سخنوری مانند نشیده‌ای از نهاد ایاق بهانه‌ی هرکسی را نصب می‌نماید. و از دفاع وی از بلاغت کلامش هرگونه ادیانه را حفظ نمی‌نماید) (عیون‌النامه، علی نعیمی، د referee (1940) با امتیاز ظهوری در این دربار، ملک فرموده قصیده‌ی خود را به همسری او در آورد و ضمن استحکام دوستی، مقدمات سرایش منوی‌های مشترک را در مدد عادل شاهان آماده نمود.

ظهوری بالغ بر پیست سال از اتفاق ابراهیم عادل شاه ثانی برخوردار بود و بهشتین و مؤثرترین شاه‌کارهای ادبی خود را در این دوران به وجود آورد و سرنجام در سین هشتاد و یک سالگی در بیجاپور در گذشته، (فناز، عضدالنی، ص 134: 366)
سری تکامل حیات ادبی ظهوری ترشیزی

ظروری ترشیزی پس از نشو و نما در خراسان و اشعاری صبیت و آوازه فضیلت و شاعراً او از اطراف و اکتفا در حذف سال ۹۷۵ هجری به طریق سیره و سیاست و اظهار قدرت و حالت خود بر مستعمران عراق به دارالعباسه پرچم‌های دبیرانی، عابدالابقی، ۱۳۳۱، ج.۳، و در آنجا مورد حمایت و تشویق میر غیاث الدین میرایان (درباره میرایان رک: منشی، اسکندر بیگ، یی تا ج.۱۲۴، رازی، این، احمد، ج.۱۷۶، وحنی بافقی، کمال الدین، ۱۳۳۲، ج.۱۶، او وی، تفتا الدین محمد، یی تا برگ ۷۲۵، قرار گرفت و با «وجود وحش حسان الزمان مولانا وحنی بافقی در آن سلسله رفیعه راه مصاحبت و منادمت یافت - و رعايت بیش از بیش دید - و زینت مجامع و محافل آن عالی‌جاه گراییده» (نهاوندی، عابدالابقی، ۱۳۳۱، ج.۳۲۴)، بعد از گذشت چند سال در حذف سال ۹۸۱ هجری دیار یزد را به فصل شیراز برک گفت، در شیراز با مولانا درویش حسین (درباره درویش حسین رک: نهاوندی، عابدالابقی، ۱۳۳۱، ج.۳، رازی، این، احمد، یی تا ج.۱۲۴)، تکا برک ۲۳۴، به خود در دنیا که در جنگ تربیت به درجه کمال رسیده و به علت استادیش در ادبیات و نفاهی و کاشی کاری در تمام ایران شرایط داشته آشنا گردید. «القصته مولانا ظهوری را آنجنان صبحت مولانا درویش حسین خوش افتاده بود که اکثر اوقات کتابت می‌نمود و حق کتابت را برد و در خدمت مولانا درویش حسین به مصرف می‌رسانید و طریقه صادقت و روش صبحت به نوعی میانه ایشان استحکامپدید که بود که تمامی مستعمران شیراز در رشک بودند» (نهاوندی، عابدالابقی، ۱۳۳۱، ج.۳۲۴، ۲۳۴، ۲۲۸، مهمندین خلیل، یی ابراهیم خان، یی تا برگ ۲۵۲، بین مطالب مزبور علاوه بر اینکه رابطه دوستی آن دو را نشان می‌دهد باینگر این مطلب است که ظهوری در کتابت میرشی داشته و در خوشنویسی به مراتب عالی رسیده است به گونه‌ای که درباره او نیز می‌نوشت و اوقات او مدت‌ها به کتابت می‌گذشت و تاريخ روضالصفا به خط مولانا ظهوری از نفاس است» (نهاوندی، عابدالابقی، ۱۳۳۱، ج.۳۲۴)
سرانجام ظهوری پس از هفت سال همچنین و مصاحبه با درویش حسین، (نهاوندی، عبدالباقی، Jamal 1341هـ، ص 344) در شهر تهران و شمال و تبع مأموریه (1988هـ) به هند شتافت و در احمدنگر گجرات در تظاهرات نظام الملك بحثی به منصب ملك الشعراوي اختصاص یافت. (ظرهوری ترکیبی، نورالدین محمد، بی‌تای نسخه خاطر مجلس شورای ملی، ش. خلیل، نلسون 881 ظهوری در موقع ورود به احمد نگر با مولاانامملک فهم آشنا شد و در آنجا با او اقامت گردید. (سیدر، ابوالقاسم، بی‌تای 77 عظیم آبادی، علی‌رضا، بی‌تای 85) در احمدنگر مربوطی و حامی ظهوری و ملل قومی، صلابت خان وكیل السلطنه مرتضی نظامشاه دیوانه (1372–1396هـ) (صلابت خان، شاپوری نام داشته و شاه طهماسب از رابطه به برنامه نظامشاه (1361–1396هـ) فرستاده به ود است. رک: فرشته، محمد قاسمی هندوکش 1380هـ: بی‌تای نسخه سوم، روضه سوم، ص 132، 133، بی‌تای نسخه 1320هـ، پارسی 424) بود.

وی قدوم ملل مملک قومی و ملل ظهوری ترکیبی را گرامی داشت و آنها را به وظایف و اعمالات لایق مخصص گردانید. ظهوری در پرتو این عنايات و حمایت‌های نظامشاهان مدت یکده سال در احمدنگر زندگی کرد و ساقی نامه معروف خود را برای پرهبان نظامشاه ثانی سرد. در این باره محمد قدرت الله کوی موی به نقل از سرخوش در کلمات الشعراء می‌گوید: "وقتی که ظهوری ساقی نامه پیش پرهبان نظامشاه در احمدنگر ارسال داشت پادشاه که وی را پذیرفت و به نقلی صنعت فرستاده در فهود خانه نزد کیش فرستاده‌ها پیپر هرکدام برداشت بر نگاهت تسلیم کردند، این دید کردم. (رک: گلشن کوی موری، محمد قدرت الله، 1336ش، ص 88: رک: عبدالباقی، محمد، 1319هـ، ص 95 آزاد بدرخان، میر احمدی، 1321: قیاصی فیاضی نژاد هنگام به پاپا سه رسمی برنامه نظامشاهان ماموریت گشت بود تا موجبات اتحاد فراموش کند. راجع به ظهوری و ملل قومی نامهای به جلال الدین محمد اکبر بهدین شرح نوشته: "در احمدنگر دو شاعر خانی به‌نام اصغر و دو شاعر ربی علی دارند یکی ملاملک قومی که به کس کمتر اختلاف می‌کند و همیشه موظف تری دارد و
دیگر ملاظه‌هایی که به گایتی رنگین کلام است. احمد علی احمدی، مولوی آگاه، ۱۳۸۳.

آمیان اول. ۱۳۳۱، کلنگ‌گر، میرمحمد نصرتی، ۱۳۳۴: ۶۳۲.

شواهد مزبور حاکی از این است که ملکه ترشیرو از سال ۹۸۲ هجری تا پایان دوره سلطنت برخان نظام‌شاه ثانی (۱۰۴۲ هجری) در احمدگر زندگی کرده است. در واقع برای این داده این است که بنابر روایتی که از قولی صاحب مجمع الفصحا در نشر عشق آمده، هنگامی که احمدگردر سال ۱۰۰۳ هجری مورد تهاجم نشکران تیموریان هنگ تحت شهاب خان خانان قرار گرفت، ملکه فرمی در احمدگر بوده است. (علیم‌آبادی، حسین علی‌قلی خان، هرود: ۱۳۶۹) حال با در نظر گرفتن اینکه ملتی که قبل از ظهوری به بیابان رسیده بود حضور ظهوری در احمدگر تا سال ۱۳۳۳ هجری نیازی به تأثیر نداشت، این موضوع از عبارت مادر رحیمی دریافتی می‌شود. (آخرالامر ایشان [ظهوری] بپن دوئن مالا ملتی عمل نموده... مرحسش شده به بیابان اتادناد.) (نهاوندی، عبدالباقی، ۱۳۹۱: ج. ۳، ص ۴۶).

ظهوری پس از ورود به احمدگر به تسبیحات و آرزوزی دیرینه خود که زیارت کعمه و بقای می‌ترکه در نجف و کریست جامه عمل پوشانده و برحس اتفاق در مکه معمومه با برکار خود ملکه در ملاقات کرد و ماعرف (در ماه رحیمی به همین شکل امده است) خود را به همراه از نقد و جنس به ملا دریش می‌خشد که این ماجرا در جنده تذکره و همچنین رفعات، فیضی مکشوف افتاده است.

ظهوری در مدت اقامت خود در احمدگر اگرچه مستقیماً با دیوانی تیموریان مستکی نداشت لیکن علاوه بر مرتضی نظام‌شاه و برخان نظام‌شاه ثانی و مریزی نقوی الذين نظری (منشکل به نظری)، وزیر با نفوذ مرتضی نظام‌شاه، اشعاری در مدت اشراف دیوان، (ابراهیم سروود است که شاخص ترین آنان کسانی چون خانان، فیضی فیاضی و اکبر نسلاند. ظهوری سروود قصایدی در مدت خانان را از زمان ورود به هنده آغاز کرده و تا آخر عمر نیز مدلیفی‌گی او بوده است. اولین بر پس از تعیین، فصولی به لogy گفت که از آن پس به عنوان [خانان] مفتخر گردیده. (کلنگ‌گر، خواجه محمد فردی، ۱۳۶۶: ۱۳۳۴: ص ۲۹۸.)
ظهوری و ارتباط ری با نظام‌هایهان

ظهوری در مقام مقایسه، تشوق‌ها و حمایت‌های مالی کمتری را از مرتاضی نظام‌نامه و برخی نظام‌نامه‌های نسبت به ابراهیم عادل‌شناسی در اینجا در دیدگاه‌های می‌کرده یک کرده بودند. آن هم در زمانی که حکومت نظام‌نامه‌های سرسر به شورش‌های داخلی دست و پنجه ترم می‌کرد و از طرف دیگر با تهدید خارجی مغول‌ها، رو به رو بود که در هر لحظه می‌توانست شکل تهیه‌ی دهشت این در خود گیرد. در این مدت، تمام سلطنت در حال نزاع بود و باختن آن، محل آشوب و شاهد قتل عام جمعی بود. پادشاه برخی نظام‌نامه‌ها باعث بزگ‌گشت سپسی صلح و آرامش و نظام‌گردد. اگرچه خود سلطان‌اند ابرازی در دست مغول‌ها، بود و موجبات اساسی کشور را فراهم ساخته بود، بدین جهت را بلافاصله پس از مراک می‌سپر اکبر کبیر مشغول محاصره در احمدنگر شد. در چنین شرایطی، شاداگان آنجا در وضعیت بودند که شاعری چون ظهوری را با ابوبکر پادشاه برنازنده و این از شخصیت قابل ستایش شاعری بوده که حیث در آن هنگام نیز تمايل به رفتنه به «دلی» و «آگرا» برای کسب دارایی قابل توجه نداشت است.

هیچ نمونه‌ای در دسترس نیست تا برخورد سخاوت‌ماندای مرتاضی نظام‌نامه را با ظهوری پس از رسیدن به هندوستان و تزکیه شدن به وی نشان دهد. با این همه، به مناسب ساخت یک عمارت (نام عمارت درخ می‌خواند) بود در سال ۹۹۹ هجری بسیاری گست (فرشته، محمد قاسم بن هندوشا، ۱۸۸۰، ج.۱۴۳، و نهادی‌ی، میرزا ابتدایی، ۱۳۴۰)، صفحه ۹). ظهوری و ملک و بسیاری دیگر دست و دل‌پازشان مورد عناصر قرار گرفتند. شاعر سلیمان واقفی (ظهوری ترشه‌ی، نورالدین محمد، نسخه رامهره، ۱۳۲۲) به تملک یک روستا داشت و بر همین اساس در فصول‌های این وی ثابت می‌ساخت و خواست قرآن کرده بود که روستایی به او عطا کند. نویسنده مصطلحات شعراء، خلف (وارسو، سالکوتوی مل. ۱۳۸۸، صفحه ۴۷۶) از آن را انتقال کرده که این گونه آغاز می‌شود: ظهوری صفت دهی که از آن معرفی – به رسم سیمور غال – خواسته، گوید.»
 абیات زیر از همان شعر نشان می‌دهد که شخص مورد خطا، مرتضا نظام‌ها از سال‌های نظام‌های احمد‌نگر (دنک) بوده است.

مداد امن و امان باعث نظام جهن؛ قدر که گرفت ملک دل خلق را به خلق حسن ظهوری سه قصد دارد و به ترتیب بند در مده شاهزاده فوق الذکر سرود که ظهوراً اولین وی تعنت سلطنتی او بوده است. زیرا به قطع می‌دانست که تا پیش از این تاریخ وی به دربارهای هیچ‌یک شاهزاده‌ای تقریب نخسته بود. با وجود این، چیزی دربارتش نمی‌زاید و به شکر و تشکر ای锅 که شاعر از دیدار این شاهزاده دریافت نموده است نمی‌دانم، ولی با اطمینان می‌توان ادعای کرد که هیچ کسی جز برخان نظام‌ها و ابراهیم عادل شاه در حمایت مالی ظهوری با مرتضا نظام‌ها برابری نمی‌کند.

در طی حکومت کوثرای حسین نظام‌ها که وی ماهی بیشتر نینجا می‌آید. از ظهوری به شایستگی تقدیر و حمایت مالی نشد، اما پیشنهاد که او برای شاهزاده سرود، نشان می‌دهد که شاهزاده وی نعمت آزادی خواهی به شمار می‌آمد، ولی متأسفانه شرایط وی چنان ضعیف بود که اجازه بدل و بخشش فرآوان نمی‌داد. جانشین او، اسماعیل نظام‌ها، نیز عروسکی در دستان جمال خان، پیرو فرهی‌های فرآوانی را برای حکومت به برآورد، بنابراین اصلاً مسئله تقدیر نمودن و قدردانی کردن پیش نیامد. این‌جا شاعر خود را در سرود قصاید مدحت برای این شاهزاده مشغول نسخه‌هایی برخان نظام‌ها برخواند و اسماعیل را از تخت به زیر ایستاد و زمام امور حکومت را در دست گرفت. وی اگر چه توانست سلطنت پایداری برقرار سازد، اما ولی نعمت برگز اهل ادب بود. ظهوری بسیار صمیمانه با رد ارتباط بود و قطعه بر سرودن ساقی‌نامه به نام او، نه قصد داشت. پس ترجیح بند و چندین قطعه نیز برای سلطان سرود. ظهوری در سرودن ساقی‌نامه و امداد بخشش‌های شاهزاده بود و از این طرق نامی چاودانه برای خود و ولی نعمت فراهم ساخت.

تذکره نویسان ظهوری به اتفاق می‌گویند که برخان نظام‌ها صلی الله علیه وآله و سلم به شاعر
فصل یازدهم تحقیقات علمی و غنی‌بودن زبان و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بروجرد - تهران 1391 (ش 1422)

را برای سرودنیش به صورت تقدیمی و جنسی بر روی چند فیل به یک هدایت نمود.
طلاش‌دادار اینان «سرخوش» است که بی مبتای بیان زیر از وی اظهارات زیادی مطرح شده است: (سرخوش، محمد افضل، 1392: نسخه رایگان، شماره 23)

و ساکی نامه که به نام برهان نظام گفته - گویند وقتی که پیش نظام‌های دامادگر فرستاد، با وجود ناشناختی سخن چند زنجر فیلی بر از نقد و جنس صله آن فرستاد.»

یکی از دوستان ظهوری ادعا کرده که یک "ملک‌الشعراء" در دربار برهان نظام‌های بوده است. این دیدگاه از سوی "ابراهیم خلیل" در دو کتابش (در کتابی، میر نفرالدین، نا: 12؛ خلیل، علی ابراهیم خان، نا: 581) تایید شده است؛ اما چای تردد است که آیا چنین سمتی اصلا در دربار سلاطین نظام‌شا به وجود داشته است یا نه.

دیگر سرودهای ظهوری در مدح اشراط احمدانگر زیادند. از میان ویلی نعمت‌نام، برچست‌های ایشان میکزا نقل دیده نظریه (ور جانشین صلابت خان بود، اما ممکن فیلی به شکنی، که در مورد بزرگ میان از مردم بارشانخته شد به زندان افتاد. وی شاعر بود و به تاریخی نظریه شعر می‌رنست). است که در آثار تاریخی عموماً میکزا محمد تای نام بهرده شده است. وی کارآمدترین نخست وزیر [وزیر اعظم] و مرتضی نظام‌شا بود. دیگر ویلی نعمت‌نام صلابت خان، حکیم مصری (شعر در مدح حکیم مصری به حکیم محمد بوسیف نوبیلی نسبت داده شده است)، اسد خان و محمد خان بودند. شاعر جهان قصیده و جند قطعه برای میکزا محمد تایی سرود که گواه بر باجاهدی والای میکزا در میان ویلی نعمت‌نام نظام‌های است.

یکی از شاخ‌های عمده سرودهای مربوط به احمدانگر ابن است که اشعار بیان کننده خستگی و یک قرارش شاعرانه. وی معمولاً جور و استبداد زمان را وصف می‌کند که بر روی‌های تاریخ احمدانگر اشاه در د. سخاوتن‌می‌خواند و لی نعمت وی عالی برهان نظام‌شاه در دربار مغول پناه داشت. درباری که ظهوری با بی‌سراری از شاعران و اشراق (پای نمونه سنا، نظری، عرف، میکزا عید، نه له و مصادر و غیره) این روابط دوستانه‌ای داشت و مرتباً با نام‌نگاری می‌کرد. فیضی در نامه‌ای بلند بیان آن، عشق خالص‌سان خود به شاعر سخن گفت. این نامه این که آغاز می‌شود: (عظم آبادی، عبرتی، 1352 ق، 95)
دربر عدل‌نخستی و اوج شکوفایی ظهوری

ابراهیم عدل‌نخست در محیط علمی شاعران، موسیقی‌دانان، نقاشان و مورخانی زندگی می‌کرد که منزل دائم خویش را در بیچاره برجیلو و در میان بیایه‌های مالی دست و دلیانه شاهزاده به کرد. نویسنده‌گان فتحات و «بساتین» چنین می‌گویند:
۳۸
فصل‌نامه تحقیقات تعلیمی و گفتاری ریاضی و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد بوشهر - تابستان ۱۳۹۱ (ش. پ. ۱۲)

مقام عالی شهاد در والاننین جایگاه قرار داشت و (برهمین اساس) اصحاب فضل از گوشه و کتار جهان به گرد دربار و یک جمع شده بودند (۳۶۷).

ابرهم اولاد شا، پادشاه بود که هم زیبایی ظاهری داشت و هم شخصیتی عالی و مظهر شایستگی‌ها و فضایل بود. دانشمندان بلغ و شاعران نام اور از هر گوشه و کتار به دربار راه می‌یافتند و برای همیشه در بیجاپور ساکن می‌شدند (۳۶۶). 

ظهوری برای بهترین دست آورده‌ای ادبی خوبی سیاسی و اداری سناوی آن ابراهیم اولاد شا ثانی است. سرزندگی و نشاط شاعری در مرحله میانی سالی که بازبانی از آن معمولاً در نوشته‌های او بیافتد می‌شود و بیانات (ظهوری ترکیبی، نورالدین محمد، بی: ۱۳۸۱.۸۲۷ و ۸۸۷ به ترتیب) در زیر تناهی نموده‌ای از آن نیسته‌اند که نشان میدهد از سیاست آن در حمایت مالی سلطنت بی‌همدان بوده است.

الحمد که به بین تعلیمات پیرانه سر به ترقبات جانی می‌زام و با شهسواران این فن عتان بر عتان می‌زام... ترتیش پرتو عاطفه اندادنی خیایی را ظهوری ساخته.

***

هر چند در جمین عمر هفتاد سال نهال طبیعت شکوفه بر افشانی کره چنان نیست که در بیمارنی آن خدایگانی هم پختگی پیری در کار و هم شوختی جوانی پربر نیاید. ظهوری بیست و یک سال آخر عمر را در بیجاپور سپهی قدر و این دوره در زندگی شاعر بسیار مهم است، آن هم به این دلیل اشکار که اشکال هم تاکنون حفظ شده، تقریباً همگی در مدت اقامتاً در مقر حکومت عادل شاهی سروده شده‌اند. خدمات ادیبی ای در این دوره چنان زیاد است که همه آثار بسیاری از شاعراً در مقایسه با آثار و سروده‌هاى او به چشم نمی‌آید. وی در این دوره حداقل ۱۲ ترکیب بند، ۴ ترجمه در تعداد زیادی قدر، تقریباً به همه ریمی‌ها، ۲ مثنوٰى و ۳ قطعه در ملح بیش از ده چندانی. علاوه بر سروده‌هاى منتشر در ملح خان خاندان و اشراف (برجه‌نتن آنها شاعر نواخان شیرازی بود که شاعر در ملح و مجموعه‌ای از اشعار را سرود) بیجاپور سرود. شاعر حنان شیفته شاهزاده بود که حتی نمی‌توانست از ملح او در مرثیه‌هاى که به یاد شهادت امام
حسین سرویده شده بودند، اجتناب کند. این نظر، آی چهیزی نیست، مگر توضیح و توصیف شایستگی‌های شاهزاده بیمار با استفاده بیجاری.

ظهوری پس از رسیدن به بیجاری، سرودن اشعاری را در مدد سلطان آغا کرد. یک قطعه که ظاهراً اولین سرویده او در آن شهر بود به مناسبت تولد یک کودک در سال ۱۰۰۵ هجری سرویده شد. تقریباً در همان زمان کتاب سلطان نورسی، در حال کامل شدن بود و دیپانجه‌های ظهوری و ملک بر این کتاب احتمالاً بین سال‌های ۱۰۰۵ و ۱۰۰۶ هجری نوشته شده است. گلزار ابراهیمی که مجموعه‌ای از آثار متفکر این دو نفر است و به همان شاهزاده تقیدی شده، احتمالاً سه یا چهار سال بعد کامل شده است.

«منبع الاهار» که در گلزار ابراهیمی آمده، نمی‌تواند پیش از سال ۱۰۰۸ هجری کامل شده باشد. چرا که در آن «نورس پور» و «نورس محل» ذکر شده‌اند که احداث آنها آیین تاریخ آغاز نشده بود. خلاصه آنکه، گلزار ابراهیمی اشعاری از این دو شاعر یا در بر دارد که در سه یا چهار سال آغازین زندگی در بیجاری سرویده شده‌اند.

در همین دوره، ظهوری منوی ۹۰۰ بیتی، از در مدد ابراهیم عادل‌شان سروید و به احتمال زیاد در گلچین فوق‌العاده‌اش نشده است. نه‌چندان سال بعد، ظهوری و ملک قمی سرگرم آماده‌سازی گلچین [جگه] دیگری تحت عنوان «خوان خلیل» در مدد همان شاهزاده بودند. علائم است. دیگر سرویده‌های ظهوری در این دوره فراواند. بنابراین، به گفته تقوی‌الوده (وqh، تقسیم‌بندی محمد، به تاریخ ۳۳۲ و ۷۷۴، ظهوری و ملک اشعار همانندی را برای «ظهوری» در گزیده فرستاده و یک نیز بر همان سبک به ایشان پاسخ گفت. خود نقل مذکر غزل‌های در وزن و قافه به‌خصوص اشعار مهم این دوره به نظام در آورده. خلاصه آنکه از میان آثار پایانی ظهوری و ملک بخش بزرگی را انتخاب نهایی تشکیل می‌دهند که در بیجاری کامل شده‌اند. دیدگاه، که قصاید، دیپانجها، گزینه، ترکیب ندیده و ترجمه ندیده و نوشته‌های متنور بیشتر در اینجا تهیه شده‌اند، اگر چه بسیار دشوار است که زمان واقعی را دوباره سرویده غزل‌ها، در غیاب هرگونه استاد تاریخی مشخص کنن؛ با این همه، می‌توان ادعایی کرد که بیشترین اشعار
این قابل شعری، هنگامی ب کنون در بیجاپور بود، آن هم ب این دلیل که تلقی اوحیدی تا اندازه‌ای آن را تایید می کند و تعدادی از آن نیز در مدخ شاهزاده‌دانه. ظهوری به خاطر سروده‌های خود، به اندازه کافی از سوی وی نعمت دست و دلباز خوشی صله دریافت می‌کرد. شاعر در آزوری تملک یک روستا بود و پیش از این از وی نعمت خود، مرتبی نظام شاه (ظهوری ترکیبی، نورالدین محمد، بی. تا: ۵۴) خواسته بود تا روستایی به وی عطا کند. ظاهرانه امیدهای او تا زمان به سلطنت رضی‌الله نظام‌شاه گز (ان از لحظه‌ای که در مدخ وی است. پیاده (ظهوری ترکیبی، نورالدین محمد، بی. تا: ۵۴) روستا به وی تقدیم کرد است، نعمت نیافت. اما با ترک پایین‌پناهخانه‌ی نظام‌شاه، وی باید از روستاها و دیگر دارایی‌های خود دست می‌کشید. تبادلین هنگامی که شاهزاده بیجاپور به شایستگی هایش پی برده، وی نشان از یک یا سلسله‌ای از سرود که در آن خود را مطابق رتوپری و صاحب روستا، دارابی، خدم و حشمت و غیره تصور کرده است; دلیل آن هم روشن است، شاید سلطان با این آگاهی روستا، به تخت و مسکن وی را دوباره در اختیار قرار دهد و دیگر اساسی طول‌بر رفاه و آسانی او را به خاطر فضله فراهم سازد. بعضی ابیات شعر مذکور(ظهوری ترکیبی، نورالدین محمد، بی. تا: ۵۴) اشعار چنین آغاز می‌شود: نقد مهرست

جنس بزار / کار عشق است حدا کامل / در زیر نقل می‌شوند:

خواهان آن بیستان که گردید از آن‌گونه دل شکفتگی کد، زادارم
شاید از فارسانت‌ها مضمون‌زم
تنها در هوا هوا دارم
بی‌بسم نشان‌داد، دم، کمری
پز می‌زارد روز بزارازار
پر در خور خدمتی چه باشند ده
معمولاً مدعا شد مفصل مذکور
اسب و نغمه و رس وره
اما شاعر دستکم در یک مورد، به خاطر تفاضل‌ای خوشی از سلطان بیمار خود را
خوار نموده است. در يک قصيدة كه در يک گلچين [ قالب گل‌پر ] ادبی [ قالب گل‌پر ] بحث و در كتاب دیگري ذكى شده است. (مجموعه‌هاي بانکي بور، شماره 1498، صفحه 2810) شعر
چنين آغاز می‌شود:
سرفراز چه پرسى از من حال حال سال جريه حال شغال
در بعضى از منابع تاريخي و تذكيرها، ميزان صلايی گلچين ظهور و ملك قمي با هم دریافت داشته‌اند، فراوان عنوان شده است. با توجه به مطالب مربوط در مدار رحيمي (نекه جامعه، صفحه 85)، آنها به خاطر سرودن گلچين ابراهيم نويس هزار "لازى" (واحد پول نقره به شکل کامل متفاوت كه در بیجاپور راپ جهد بود، كه نوشته عادل شاهي بدر آن نقش شده است. اين فرو را از مفصول هاي به ضحامت يك هستم أينج وي سه يا جهار اينج طول كه به سان كى بى خمو شده، ما ساختن. اين سكه را در مكانه‌اي مختلفي
در طول ساحلي غربی از خليج فارس گرفته تا سيلان استفاده می‌كرده و مگنه می‌شود كه در لاز، بالاي خليج فارس، ساخته می‌شود، و اين نام را به اين، جهت دارد) صله گرفته‌اند. اين مقدار را برای با چهل هزار روپه دانستنند. همين مقدار و معادل آن در خلاصه‌کلام و صحف ابراهيم آمده است; (صفحه 24 و صفحه 81) اين اطلاعات به
احتمال فراوان از مثير گرفته شده‌اند. ظهور و ملك به تقليد از استادان قديم سخن، سعی كرده‌اند با تقليد از مخزون الامسار نظامي با يي رقابت نمايند. نويسنده ميخانه اي‌ن
گونه روايت مي‌کند: (نخترزمانی، عبدالیني، 1320/1941: صفحه 150)
"گوينده به حكم عادل‌شاه در برای مخزون الامسار شيخ نظامي كتباي گفت و از نظر عادل‌شاه گذرايي. شاه يک شتر روز به صله آن به ملك عنایت نمود، مير حيدر ذهني كه يکي از اصحاب نظم است... شاه به او گفت كه مير حيدر تار جناب مخزون نمي‌گوين، او به عرض رسانيد كه الحال چون مخصوص شد خواهم گفت. روز ديگر به
جای جواب مخزون الامسار اين ربايي گفت و به نظر معتقد خود آورد:
در مدخ و تثبيت اين شهنشاه دکس معدودم دار اکثر گفت و نام خون سر خون سر خون بر تخت را بر گردند.

**

نقد نظام‌شناسان و عالی‌شناسان در خلق آثار تعليمی ظهوری ترتیبی 21

خوار نموده است. در يک قصيدة كه در يک گلچين [ قالب گل‌پر ] ادبی [ قالب گل‌پر ] بحث و در كتاب دیگري ذكى شده است. (مجموعه‌هاي بانکي بور، شماره 1498، صفحه 2810) شعر
چنين آغاز می‌شود:
سرفراز چه پرسى از من حال حال سال جريه حال شغال
در بعضى از منابع تاريخي و تذكيرها، ميزان صلايی گلچين ظهور و ملك قمي با هم دریافت داشته‌اند، فراوان عنوان شده است. با توجه به مطالب مربوط در مدار رحيمي (نекه جامعه، صفحه 85)، آنها به خاطر سرودن گلچين ابراهيم نويس هزار "لازى" (واحد پول نقره به شکل کامل متفاوت كه در بیجاپور راپ جهد بود، كه نوشته عادل شاهي بدر آن نقش شده است. اين فرو را از مفصول هاي به ضحامت يك هستم أينج وي سه يا جهار اينج طول كه به سان كى بى خمو شده، ما ساختن. اين سكه را در مكانه‌اي مختلفي
در طول ساحلي غربی از خليج فارس گرفته تا سيلان استفاده می‌كرده و مگنه می‌شود كه در لاز، بالاي خليج فارس، ساخته می‌شود، و اين نام را به اين، جهت دارد) صله گرفته‌اند. اين مقدار را برای با چهل هزار روپه دانستنند. همين مقدار و معادل آن در خلاصه‌کلام و صحف ابراهيم آمده است; (صفحه 24 و صفحه 81) اين اطلاعات به
احتمال فراوان از مثير گرفته شده‌اند. ظهور و ملك به تقليد از استادان قديم سخن، سعی كرده‌اند با تقليد از مخزون الامسار نظامي با يي رقابت نمايند. نويسنده ميخانه اي‌ن
گونه روايت مي‌کند: (نخترزمانی، عبدالیني، 1320/1941: صفحه 150)
"گوينده به حكم عادل‌شاه در برای مخزون الامسار شيخ نظامي كتباي گفت و از نظر عادل‌شاه گذرايي. شاه يک شتر روز به صله آن به ملك عنایت نمود، مير حيدر ذهني كه يکي از اصحاب نظم است... شاه به او گفت كه مير حيدر تار جناب مخزون نمي‌گوين، او به عرض رسانيد كه الحال چون مخصوص شد خواهم گفت. روز ديگر به
جای جواب مخزون الامسار اين ربايي گفت و به نظر معتقد خود آورد:
در مدخ و تثبيت اين شهنشاه دکس معدودم دار اکثر گفت و نام خون سر خون سر خون بر تخت را بر گردند.

**

نقد نظام‌شناسان و عالی‌شناسان در خلق آثار تعليمی ظهوری ترتیبی 21

Khwar namoode est. Dar yek qeside hae ke dar yek giljeen [ قالب گل‌پر ] adbi [ قالب گل‌پر ] bahst va dar tekab digi ri dakh shaye est. (Majmu'ah-e Banqi Bor, shamare 198, safhe 2810) sheyr
chin agaz mi shod:
Sefrazai che persi az min dahl hal sakh gal gireh hal shaghl
Dar yek cavat dariast, ferawah oonan sheye est. ba tophe be matlabar eghzar dar marat rahiemi (nakhjeh jamah, safhe 85), ana ba khatar soroon giljeen ebraheem noo se hoori" (waadad pol noor ye skole kamala mafi oot ke dar biqapour rahi yord, ke nousthe ebadal sahah ber an nashe shaye est. ayn pol ra az vaghtole hayi be phakmat ye heshem anj nas ba jehar anj teylo ke be san gireh mo xam shaye, mi saxhtend. ayn skohi ra dar makanhayi maftrahi
dar tool sahal gheri az xelij faras gorfte ta sailan esfahade mi kerdan va kifney mi shod ke dar laar, balai xelev faras, saxhote mi shod, va ayn nam ra be ayn, jehet dare) saleh gorfteh. ayn maged ra bar a jehel hoori roo be dastanand. hamin maged va madadan an dar xelahehkelam va shod ebraheem amadest; (safhe 24 va safhe 81) ayn atelahun be
hatbaleh ferawah az marat gorfteh shehade. ebraheem va melki be talekid az esfahand qadim shen, seyeh kerdan ba talekid az mexoon azam almasar nashmi be ye rehbat nimaand. noysindeh mihaneh ayn
ghone rooyat mi kend: (nakhr zarman, ibdelini, 1320/1941: safhe 150)
"goyind ba hekm ebadal shah dar baray mexoon azam almasar sheik nashmi kifteh va az nazar ebadal shah gerdanid. shah yek shtr zar be salhe an be melki enayat namood, mir hijer dasti ke yek hai az asehban nashmi est... shah be o goft ke mir hijer topa joro javob mexoon nemigoyin, o be uruz rehsandi ke halal chon himed mexoon be past len goft. roz digar be
jaye javob mexoon azam almasar ayn bahy goft va be nazar mowdood xord aourd:
bar makh va tasbih e shahname dast mejduh moh dar aghar nafqehm mexoon
hify est ke bah yek shtr zar e girim mexoon do hisor pasta raiy gerdan;**
در میانه‌های همبستگی ادعا شده که پس از تکمیل شعر ملک با عنوان نورس نامه، ظهوری نیز، برای شاهزاده بیجاپور، دو هزار بیت به تقلید از مخزن الامزاس سرود و به طور سه‌گانه از پاداش گرفت، اما در «عراقت» این گونه شاهزاده است: «چون مولانا ملک و ظهوری در برای مخزن کتابی تمام کردن و یک شتروار زر از عادل شاه گرفتند وی (حیدر ذهنی) این رابطه گفت ا욬، این عبارت از سوی نویسندگان مجموع الافایس (صفحه ۴۲۷) و باغ معلی (صفحه ۱۳۲) و بعد از سوی سرو و آزاد، نشر.

عشق و احمد علی (سرو آزاد: ۱۱۱ نشر عشق: ۱۴۶۹ و مخزون الفران: ۲۴) تکرار شده است.

دست‌آوردهای شاعرانه ظهوری شاید مرهون قابلیت‌های شعری شاهزاده بیجاپور باشند که جوی سالم پرامون وی ایجاد کرده بود. در این محیط بر از آرامش، شاعر خود را کاملاً وقف فعالیت‌های ادبی نمود و به سرودن مدایح پر از سلطان و هر از گناه وزیر مستعد وی، شاه نوازخانه، پرداخت.

هگامی که ظهوری در بیجاپور بود هرگز آرزوهای وی به جایی دیگر را نداشت ولی در دربار نظام‌های حکومت برخان نظام‌شاه از وی برای انجام سفر رختش طلبید. (بادنی. عبدالقادر، ۱۸۷۸ م. ابتدای زیر (کتاب ۳۲۱-۱۲۲)

در تأیید این مطلب است:

جلبی نشان دهنده یا آنکه نخواهیم رفتند
رهم اکثر می‌توانیم بی‌خود و بر طالع خود
نظر مرحمتی سوی اسیران بفیگن

دوران پایانی عمر ظهوری که از سالهای ۱۰۰۴ تا ۱۰۲۵ ه د را در می‌گیرد در بیجاپور و در کنف حمایت ابراهیم عادل شاه ثانی سپری شد. وی در این عهد به مقام ملک الشعراوی دست یافت چرا که در مقام سخنوی از جمله سخنویان نامداری بود که «شعر و مشاعری در دفت و لاطاف و فسح و بلاغت مشهور تمام پادشاهان هندوستان بلکه ممالک ایران و توران گردید» (عمانی هنری، محمد شلی، ۱۳۳۷ م. ص. ۱۷۳)
نتیجه‌گیری:

هر چند نتایج گرفته شده و قریحه سرشار ظهوری ترشی و ترسی را به مقام ملکالشماری مفتخر گرداند ولی جناح‌های دیگری به آن آموزشی وی در پرتو حمایت‌ها و تشویق‌های حاکمان نظام‌شاهی و عادل شاهی انجام گذرده‌اند. به قطع و یافتن می‌توان گفت فرآیند نمودن محتوی مناسب و حمایت‌های برای امارات و حاکمان در پروسوش ادبیات و هنرمندان تأثیر زیادی و به‌سازی می‌گذارد و این به‌عنوان نیز ضمین بهره‌مندی از امور مادی در پروسوش روح لطیف خود و خلق آثار آموزشی و پرپرس از این دربارها بهره گرفت.

منابع و مآخذ:
1- آزاد بلگرامی، مرگ‌الان (۱۹۱۳م)، سرو آزاد، پاکستان، لاہور.
2- آزاد بلگرامی، مرگ‌الان (۱۹۱۳م)، خاک‌پذیر، کابلی.
3- احمد علی احمد، مولوی آغا (۱۸۷۳م)، هفت آسمان، ایران، تهران، ایست کتابفروشی اسلامی.
4- احمد کاشی، میر تقی الدین، خلاصه‌ای در اتاق کتابخانه مجلس شورای اسلامی، تهران، ایران.
5- احمدی، میر تقی الدین محمد (پی تاریخ)، عرفان والمقدّمین، تهران، کتابخانه ملک.
6- بداوی، ملا عبیدالله (۱۸۸۲م)، منتخب التواریخ، هندوستان، کلکته.
7- حیدر، ابوالقاسم، مسیحی بهار، نسخه خانه کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، شماره ۸۸، و فیلم شماره ۲۱۹۶، تهران، ۱۳۸۰ و ۸۸ و فیلم شماره ۸۸.
8- خنیج، ابوالقاسم، صحنه امام خمینی، کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران: عکس‌های شماره ۸۸ و ۸۸ و فیلم شماره ۲۱۹۶.
9- رازی، ابوالقاسم، هفت آسمان، به‌تصویب جواهار فاضل کتابفروشی علمی، و کتابخانه مجلس شورای اسلامی: شماره ۲۱۹۶.
10- سرخوش، محمد افضل (۱۹۲۲م)، کلمات الشعراء، پاکستان، لاہور.
فصل‌نامه تحقیقات علی‌الدوله زیبایی و ادب فارسی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد یزد - تابستان 1391 (ش ب 12)

۱۱- شهروی، شماره ۱۴۱۰۰۱.
۱۲- عابدالی‌نیا، محمد (۱۳۹۵م)، تدریکه شعر، علی‌قوی.
۱۳- عظیم‌آبادی، حسین، علی و قلی خان، بی‌تا، نشر شمس، هندوستان، بینه.
۱۴- عظیم‌آبادی، غربنی (۱۳۵۲ق)، ریاض اگرکان، کلکته.
۱۵- علی صاحب، رحمان (۱۳۴۴ق)، تذکره علمانی هندی، کابل.
۱۶- فخرالملک، عبدالمهدی، ۱۳۲۰ش، میخانه، با تصمیم و تنظیم و تکمیل ترجمه به اهمت گلچین
معنای، ایران، تهران، شرکت نسب حجت محمد حسین اقبال و شرکه،
۱۷- فرشته، محمد قاسم بن هدی‌نهام (۱۳۸۰م)، تاریخ فرشته، بمبئی.
۱۸- گلشن، کویاوه، محمد قدرت‌الله (۱۳۳۶ش)، تناوب الانگار، هندوستان، بمبئی، چاب
اردرس خاصی.
۱۹- محمد احمدی، نقوی الدین، خلاصه لاهور، کتابخانه ملک تهران (نسخه سه‌بلی). تهران، ایران.
۲۰- منصف، اسکندر پیک، تاریخ عالم آرای عباسی، بی‌تا، کتابخانه دانشگاه عالی تهران.
۲۱- محمدرضا هنگی، محمد شیخی (۱۳۳۲ش)، شعر العجم با ادبیات منظوم ایران، ترجمه سید
محمد فخر داعی گیلانی، تهران، ایران.
۲۲- نهایاندی، عباداللهی (۱۳۲۱م)، مأثر رحمی، به سعی و تصمیم محمد هدایت حسین.
۲۳- هندوستان، کلکته، ایشانیک سوساپی بگاهه.
۲۴- وارست، سیاکومی مل (۱۳۸۰ش)، مصطلحات شعر، تصمیم سیروس شمسی‌آرا، ایران، تهران.
۲۵- فردوسی.
۲۶- احمد داغستانی، علی فلاحی، ریاض الیشعرا، کتابخانه مرکزی تهران، عکس شماره ۵۸۰۱
و میکروفلایزر شماره ۲۵۶۲ و ۱۳۲۰و ۲۵۶۳، کتابخانه ملک تهران، شماره ۲۴۰۱، نقطه خصوص کتابخانه ملک
ایران به شماره عمومی ۲۷۲۴ و شماره فارسی ۱۵۳۱، تهران، ایران.
۲۷- وحشی پارسی، کمال الدین (۱۳۳۲ش)، فرهاد و شریفی، با مقدمه رشید پاشمی، ایران، تهران.
بی‌تا.